

می‌کند. این کتاب حتی به صورت جانبی می‌تواند خواننده را با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران این دوره نیز آشنا کند.

محتوای کتاب نشان می‌دهد ابعاد فرهنگی جامعه، جایگاه بسیار مهمی در ذهن مؤلف دارد؛ پرداختن به مواردی همچون فرهنگ آموزش، فرهنگ معاشرت، فرهنگ سفر، شهرنشینی، هویت‌های فرهنگی نقاط مختلف انگلستان و امریکا و ... از اهمیت زاویه دید مؤلف حکایت می‌کند. او حتی یک فصل از کتاب - فصل شانزدهم، دیداری با دیوید بکام - را به نقش فرهنگی و اجتماعی یک اسطوره در میان مردم اختصاص داده است.

شاید تصور جذب مخاطب عام برای این کتاب سخت باشد، ولی افرادی که به معنای واقعی کتابخوان هستند، به سراغ این اثر خواهند رفت. در کنار این قشر، دانشجویان و پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی و تاریخ، جزو مخاطبان اصلی کتاب «مردم‌نگاری سفر» به شمار می‌روند و می‌توانند مطالب بسیار مفیدی از دل آن صید کنند. ضمن آنکه کتاب، برای مدیران فرهنگی که تاکنون به خارج از کشور نرفته‌اند، دیدگاه مفیدی فراهم می‌سازد.

سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم

هاشمی، سید علیرضا، سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۸، 192 صفحه.

کتاب «سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم» نگاهی به آداب و رسوم سفرهای زیارتی (مکه، مدینه، کربلا، مشهد و قم) در گذشته دارد. سابق بر این، زائران عتبات عالیات، رنج و مشقت بسیاری را در این سفرها که معمولاً بین شش ماه تا یک سال طول می‌کشید، متحمل می‌شدند. زائر ایرانی از هر قوم و قبیله‌ای که بود، پیش از سفر خود را آماده می‌کرد و به فکر تأمین مخارج سفرش می‌افتاد و چون زمان سفر طولانی بود، اغلب «زائر» وصیت‌نامه خود را نیز

می‌نوشت و آن را نزد معتمد محل یا خانواده‌اش می‌گذاشت، سپس مهریه همسرش را می‌پرداخت و از دوستان، آشنایان و همسایگان حلالیت می‌طلبد. بعد از انجام مقدمات سفر، دوستان و اقوام زائر به منزل وی می‌رفتند و او را تا جایی از شهر یا روستا بدرقه می‌کردند. مشایعت‌کنندگان هر کدام مبلغی وجه نقد به زائر می‌دادند که به آن «اقر راهی» می‌گفتند.

در جنوب کشور، بعد از رفتن حاجی، خانواده او پرچم‌های کوچکی بر سر در منزلشان نصب می‌کردند تا منزل زائر از دیگر خانه‌ها متمایز شود. بعد از عزیمت زائر، خانواده او به فکر تدارک آش پخت پا می‌افتادند و پس از پخت، آن را بین همسایگان تقسیم می‌کردند.

«چاووش خوانی» از دیگر مراسمی بود که در بیشتر مناطق کشور، در زمان بدرقه زائر و نیز به هنگام بازگشت او از سفر اجرا می‌شد. برای این منظور، معمولاً فردی خوش صدا انتخاب می‌شد که



پیشاپیش بدرقه‌کنندگان به راه می‌افتاد و با صدای بلند اشعار مذهبی و متناسب با سفر زائر را می‌خواند. بقیه افراد حاضر در جمع نیز با وی هم‌نوازی می‌کردند چاووش خوانی تا زمانی که زائر، سوار اتوبوس می‌شد یا در بازگشت از سفر تا زمانی که به منزلش می‌رسید، انجام می‌گرفت. زائر چند روز قبل از آمدن به زادگاهش، بیک و قاصدی برای خانواده‌اش می‌فرستاد و آنها را از آمدنش آگاه می‌ساخت.

رسم پیشواز با شور و هیجان بیشتری برگزار می‌گردید. اهالی به محض شنیدن خبر بازگشت زائر، دسته‌جمعی (زن و مرد، کودک و جوان) به پیشواز او می‌رفتند و گوسفند یا گاوی هم می‌بردند تا در سر راه زائر ذبح کنند. بعد از اینکه زائر به خانه‌اش می‌رسید،

همسایه‌ها و آشنایان دسته‌جمعی به دیدار وی می‌رفتند و ضمن خوشامدگویی، زیارت قبولی به او می‌گفتند و پای صحبت‌های زائر می‌نشستند و به حوادثی که در طول سفر برای او اتفاق افتاده بود، گوش می‌دادند.

چند روز بعد، نوبت به ولیمه دادن و پذیرایی از دوستان و آشنایان می‌رسید و هر زائری متناسب با بودجه و بضاعت مالی‌اش، ناهار یا شامی تدارک می‌دید و از اقوام و همسایگان دعوت می‌کرد.

از دیگر اصول و آداب مسافرت‌های زیارتی، دادن هدیه و سوغاتی‌های متبرک بود که این رسم نیز متناسب با بضاعت مالی زائر از سوی افراد مختلف به شیوه‌های متفاوت اجرا می‌شد و سرانجام؛ یکی از دستاوردهای معنوی سفر، وجهه مذهبی است که سفر برای زائر به ارمغان می‌آورد؛ چرا که از آن پس او با القابی چون «حاجی»، «کربلایی» و «مشهدی» خوانده می‌شود. سفرهای زیارتی همچون سایر سفرها آدابی خاص ولی مطابق با عرف محل زائر داشتند و چون سفر با معنویت همراه بود، از ویژگی‌های خاصی نیز برخوردار بود که نویسنده در این کتاب، به اجمال به کل این مراحل شامل مقدمات سفر، تنظیم وصیت‌نامه، بدرقه، چاووش خوانی، پیشواز، ولیمه و سوغاتی اشاره کرده است.

هویت فرهنگی مردم منطقه زیدون

گنجی، مسعود، **هویت فرهنگی مردم منطقه زیدون**، اهواز: تراوا، ۱۳۸۹، ۲۴۸ صفحه.

کتاب «هویت فرهنگی مردم منطقه زیدون» به همت مسعود گنجی در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است و در آن، ویژگی‌های منطقه‌ای در خوزستان توضیح داده می‌شود. این کتاب نتیجه یک پژوهش میدانی دو ساله مبتنی بر مشاهده مشارکتی همراه با پرس و جو در منطقه زیدون از استان خوزستان است که به دلیل نبود پیشینه پژوهشی در این خصوص و نبود اطلاعات اسنادی از این منطقه لزوم آن احساس می‌شد.

مؤلف در مقدمه کتاب آورده است: وقتی در کتاب‌ها به مطالبی برمی‌خوریم که حتم داریم